



بخشی از زنجیره پتروشیمی و تعیین کننده قیمت خوراک را ایفا می کند، آیا اساساً می توان از رگولاتوری مستقل سخن گفت؟ کاملاً نکته درستی است و پاسخ پرسش اول شما در این پرسش جدید مستتر است. نه فقط از دولت و وزارتخانه ها و صندوق های مرتبط با آنها که باید از خود شرکت ملی صنایع پتروشیمی آغاز کنیم. با وجود تغییرات در میزان سهام شرکت ملی صنایع پتروشیمی در بزرگترین هلدینگ خصوصی پتروشیمی کشور یعنی هلدینگ خلیج فارس در سال های مختلف، هنوز شرکت ملی صنایع پتروشیمی در هلدینگ خلیج فارس نفوذ بالایی دارد و یکی از کرسی های هیأت مدیره متعلق به شرکت ملی صنایع پتروشیمی است؛ البته تأثیرگذاری و نفوذ شرکت ملی صنایع پتروشیمی به موضوع کرسی هیأت مدیره محدود نمی شود. اساساً انتخاب مدیرعامل و سیاست گذاری های اصلی هلدینگ تا حد زیادی در امتداد سیاست های شرکت ملی صنایع پتروشیمی است.

به نظر می رسد که ابتدا، شرکت ملی صنایع پتروشیمی باید تکلیف خود را در این خصوص روشن کند. در غیر این صورت، مواجهه شرکت های خصوصی با سیاست گذاری های شرکت ملی صنایع پتروشیمی بر محور همسویی و همراهی نخواهد بود. به عنوان نمونه، ابلاغیه های مختلف شرکت ملی صنایع پتروشیمی یا دستورالعمل های صادره از سوی آن، لازم الاجرا نخواهد بود. چراکه شرکت های خصوصی احتمالاً خود را با یک ناظر بی طرف و بی منفعت مواجه نمی بینند. مثلاً شاید ابلاغیه های مرتبط با ساختار سازمانی، محیط زیست یا امنیت اطلاعات یا منابع انسانی را هلدینگ خلیج فارس بپذیرد و اجرا کند، اما امروز و با قوانین فعلی، این ابلاغیه ها یا دستورالعمل ها برای واحدها یا مجتمع های پتروشیمی خصوصی ضمانت اجرایی ندارند.

افزون بر اینکه بخش خصوصی صنعت پتروشیمی و حتی پالایشی مثلاً در حوزه های منابع انسانی با وزارت کار طرف هستند و به عنوان بخشی از وزارت نفت که آیین نامه مستقل خود در این حوزه ها را دارد، تلقی نمی شود. مگر اینکه در اساسنامه جدید، این موضوعات مشخص شوند. ممکن است شرکت ملی صنایع پتروشیمی خود را سیاست گذار و تنظیم گر این حوزه بشناسد، اما وقتی قانون این مجوز را نمی دهد، در عمل امکان دنبال کردن سیاست ها هم وجود ندارد. البته به گفته بعضی از مسئولان پتروشیمی کشور، جنگ ۱۲ روزه سبب شد صنعت پتروشیمی، جایگاه از دست رفته خود را تا

با وجود تحریم صادرات نفت و تحریم های بانکی، صنعت پتروشیمی چندان مورد تحریم قرار نگرفت و چندان تحریم پذیر هم نبود. در آن مقطع، بخشی از تأمین ارز کشور، از طریق بخش پتروشیمی انجام شد و این روند در مقطع بعدی تحریم ها علیه صادرات نفت ایران و پس از خروج ترامپ از برجام نیز ادامه یافت و باز هم پتروشیمی، بخشی از نیازهای ارزی کشور را تأمین می کرد. بنابراین، صنعت پتروشیمی با وجود همه انتقادات و بحث های مطرح شده حول و حوش عدم توسعه متناسب زنجیره ارزش و عدم تناسب قیمت خوراک و قیمت صادراتی محصولات پایه پتروشیمی، نقش مهمی در تداوم صادرات و تأمین کالاها و تجهیزات مورد نیاز کشور ایفا کرده است.

از طرفی پس از اجرایی شدن برنامه ریزی توسعه پتروشیمی در دهه ۷۰، این بخش به عنوان یکی از مهم ترین حوزه ها برای خلق ارزش افزون تر و جلوگیری از خام فروشی نفت و گاز مورد توجه سیاست گذاران و مسئولان کشور قرار گرفت. بویژه آنکه میزان تولید گاز طبیعی ایران با توسعه میدان گازی پارس جنوبی رو به افزایش بود و باید برای این میزان گاز برنامه ریزی متناسب شکل می گرفت. براین اساس، در سال های ۸۳ و ۸۴ اسحاق جهانگیری، وزیر وقت صنایع و معادن، در امتداد تدوین اسناد توسعه صنایع مختلف، سفارش تدوین سند استراتژی توسعه صنعت پتروشیمی را به مرکز مطالعات توسعه فناوری دانشگاه امیرکبیر ارائه کرد که بنده هم همراه همکاران مرکز، در این گروه، در بخش مرتبط با ماشین آلات و تجهیزات صنعت پتروشیمی حضور داشتم.

در نهایت، سال ۱۳۸۴ و در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، این سند نهایی و ارائه شد. واقعیت این است که در آن دوره، الگوی اصلی ایران در توسعه صنعت پتروشیمی، عربستان بود که توانسته بود بخش مهمی از گاز تولیدی خود را به محصولات پتروشیمی تبدیل و درآمد خوبی از این محل کسب کند. در آن مقطع و پیش از آن، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، متولی سیاست گذاری صنعت و مالک اصلی مجتمع های پتروشیمی کشور بود.

از سال ۱۳۸۶ مقدمات خصوصی سازی صنعت پتروشیمی ایران بر اساس سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی آغاز شد و شرکت ملی صنایع پتروشیمی به تدریج نقش حاکمیتی و نظارتی به خود گرفت. واگذاری عملی سهام شرکت های پتروشیمی به بخش خصوصی عمدتاً از سال ۱۳۸۷ آغاز شد و در سال های بعد و بویژه ۱۳۸۹ گسترش یافت. پتروشیمی رازی، امیرکبیر و فناوران و سپس پتروشیمی اصفهان، اراک و خارک واکزار شدند و این روند ادامه یافت.

با از دست دادن دفعی و تدریجی مالکیت مجتمع های پتروشیمی مختلف، کم کم مشخص شد که نقش و جایگاه جدید شرکت ملی صنایع پتروشیمی دچار ابهام است و مشخص نیست که شأن این دستگاه دولتی زیرمجموعه وزارت نفت چیست؟ پیش تر، موقعیت این شرکت، مشابه شرکت ملی نفت بود، اما با توسعه خصوصی سازی در صنایع پتروشیمی دیگر این نقش رنگ باخته بود. بویژه اینکه از ابتدای فرآیند خصوصی سازی، تکلیف همه سهام های مجتمع ها مشخص نشده بود و واگذاری سهام شرکت ملی صنایع پتروشیمی هم یکباره انجام نشد و هنوز و همچنان واگذاری کامل انجام نشده است.

از سوی دیگر، در بدنه شرکت ملی صنایع پتروشیمی هنوز «یاد ایام» زنده است و درباره دوران مالکیت با لحنی نوستالژیک و به صورت یادآوری شکوهمند یاد می شود. با این وصف، پس از خصوصی سازی، مهم ترین نقش و شأن شرکت ملی صنایع پتروشیمی در چهارچوب جدید، بررسی درخواست ها، ارزیابی طرح ها و نقش کلیدی در فرآیند صدور موافقت های اصولی به عنوان مجوز اولیه برای پروژه های جدید پتروشیمی است.

■ در شرایطی که دولت همزمان نقش سیاست گذار، مالکیت

به کمک نهاد
تنظیم گر است
که مسیر حرکت
آینده صنعت
و سایر صنایع
وابسته تعیین
می شود و این
نهاد تنظیم گر
است که وظیفه
تنظیم مقررات
متناسب برای
دستیابی به
سیاست های
کلان و حتی
جزئی را برعهده
دارد

